سیاست

لاهوتی: اولویت کشور در دوره پساجنگ ساماندهی وضعیت اقتصادی است

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس اولویت نخست کشور در دوره پساجنگ را ساماندهی وضعیت اقتصادی، بهبود معیشت مردم و اجرای واقعی سیاست مردمی‌سازی اقتصاد عنوان کرد. مهرداد لاهوتی در گفت‌وگو با ایسنا، درباره مهم‌ترین اولویت‌های کشور در دوره پساجنگ اظهار کرد: جمهوری اسلامی ایران دارای قدرت نظامی و دیپلماسی و پشتوانه مردمی است به خصوص با همدلی و وحدت و همدلی که ایجاد شده است پس تنها موضوعی که می‌تواند به کشور آسیب بزند، مسائل اقتصادی است. نماینده لنگرود در مجلس با بیان اینکه مقام معظم رهبری بر لزوم مقاوم کردن اقتصاد تاکید داشته‌اند، افزود: باید وضعیت اقتصادی کشور سروسامان پیدا کند. وی ادامه داد: خودکفایی کشور در حوزه نظامی به گونه‌ای است که تمام اقلام و تجهیزات نظامی داخل کشور تولید می‌شود لذا نگرانی خاصی در زمان جنگ وجود نداشت باید همین وضعیت در عرصه اقتصادی دنبال شده و تلاش کنیم اقتصاد را مقاوم کنیم و همه توان و ظرفیت‌ها برای بهبود وضعیت معیشتی مردم و ساماندهی اقتصاد کشور به کار گرفته شود. لاهوتی با بیان اینکه وضعیت معیشتی مردم نگران کننده است، گفت: کشور باید از اقتصاد دولتی خارج شده و به سمت مردمی‌سازی حرکت کند تا مردم اقتصاد را اداره کنند. دولت نیز کوچک‌تر و چابک‌تر شده و نقش تصدی گری خود را کاهش دهد. وی با بیان اینکه اقتصاد ایران ساختار سنتی دارد، افزود: سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و برنامه هفتم پیشرفت بر مردمی‌سازی اقتصاد تاکید دارند. باید زمینه‌ای فراهم شود تا تعاونی‌ها سهم بیشتری در اقتصاد کشور داشته باشند و سرمایه‌های خرد مردم تجمیع و وارد چرخه تولید و سرمایه‌گذاری شود. سخنگوی فراکسیون مستقلین ولایی مجلس با تاکید بر لزوم خصوصی‌سازی اقتصاد خاطرنشان کرد: بدون واگذاری واقعی اقتصاد به مردم و بخش خصوصی، دستیابی به اهدافی مانند رشد اقتصادی ۸ درصدی و افزایش سرمایه‌گذاری و بهره‌وری امکان‌پذیر نخواهد بود.

دولت به جامعه اطمینان دهد که افزایش قیمت بنزین جایی در دستور کار ندارد

نماینده مردم طرقبه و شاندیز در مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: هر تصمیمی که بر نگرانی و نااطمینانی جامعه بیفزاید، با الزامات مدیریت کشور در این شرایط همخوانی ندارد. حسین امامی‌راد، نماینده مردم چناران، طرقبه، شاندیز و گلبهار در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به طرح مجدد بحث افزایش قیمت بنزین گفت: تردیدی نیست که ناترازی بنزین یک واقعیت است و ادامه روند فعلی، فشار سنگینی بر منابع ارزی و بودجه کشور وارد می‌کند، اما سیاستگذاری اقتصادی تنها بر پایه یک متغیر انجام نمی‌شود؛ زمان اجرا، شرایط اجتماعی، آثار اقتصادی و الزامات امنیتی نیز به همان اندازه اهمیت دارند. وی در ادامه اظهار کرد: طرح افزایش قیمت بنزین در شرایطی که کشور همچنان درگیر جنگ، فشارهای خارجی و تورم مزمن است، نه تنها یک تصمیم اقتصادی، بلکه تصمیمی با پیامدهای گسترده اجتماعی و امنیتی خواهد بود.

■ ناترازی بنزین محصول سیاستگذاری نادرست است

نماینده مردم طرقبه و شاندیز در مجلس با بیان اینکه رشد مصرف بنزین، افزایش تعداد خودروها، محدودیت ظرفیت پالایش، فشار بر منابع ارزی و قاچاق سوخت از عوامل اصلی ناترازی هستند، تصریح کرد: پرسش اساسی این است که آیا افزایش قیمت، نخستین و بهترین راه‌حل است یا آخرین گزینه پس از اصلاح سایر عوامل؟ امامی راد در ادامه تاکید کرد: واقعیت آن است که بخش مهمی از این ناترازی، محصول سال‌ها سیاستگذاری نادرست، تولید خودروهای پرمصرف داخلی، فرسودگی ناوگان حمل‌ونقل، ضعف حمل‌ونقل عمومی، استفاده ناکافی از CNG و LPG، اجرا نشدن کامل احکام برنامه هفتم و ضعف در بهینه‌سازی مصرف انرژی و از همه مهم‌تر، قاچاق گسترده سوخت است. در چنین شرایطی، انتقال بار این ناکارآمدی‌ها به مردم، نه عادلانه است و نه منطقی.

■ افزایش قیمت؛ جلوگیری از قاچاق یا تشدید تورم و فشار بر معیشت مردم؟

وی در ادامه با تاکید بر اینکه قاچاق سوخت نیز نیازمند نگاهی واقع‌بینانه است، گفت: شکی نیست که اختلاف قابل توجه قیمت بنزین در داخل با کشورهای همسایه، انگیزه قاچاق را ایجاد می‌کند، اما تا زمانی که این شکاف قیمتی عمیق باقی بماند و امکان واقعی‌سازی کامل قیمت‌ها به‌دلیل ملاحظات اقتصادی، اجتماعی و امنیتی وجود نداشته باشد، افزایش‌های محدود و تدریجی قیمت، نه مصرف داخلی و نه قاچاق را به‌طور موثر مهار می‌کند و نه جذابیت اقتصادی آن را از بین می‌برد. در مقابل، نتیجه چنین سیاستی بیش از هر چیز، تشدید تورم و افزایش فشار بر معیشت مردم خواهد بود. امامی راد افزود: از این رو، انسداد مسیرهای قاچاق، استقرار سامانه‌های هوشمند نظارتی و برخورد قاطع با شبکه‌های سازمان‌یافته هدررفت منابع باید در اولویت قرار گیرد.

■ کشور در شرایط فعلی نیازمند آرامش اقتصادی و انسجام اجتماعی است

وی در ادامه با تاکید بر اینکه بنزین یکی از کالاهای پیشران اقتصاد است، افزود: تجربه نشان داده است که افزایش قیمت آن به سرعت بر هزینه حمل‌ونقل، تولید، توزیع و قیمت کالاها و خدمات اثر می‌گذارد. در اقتصادی که سال‌ها با تورم مزمن دست‌وپنجه نرم کرده است، هر شوک قیمتی می‌تواند انتظارات تورمی را تشدید کرده و بیشترین فشار را بر اقشار حقوق‌بگیر، کارگران، بازنشستگان و دهک‌های متوسط و پایین جامعه وارد کند. امامی راد با تاکید بر اینکه استمرار جنگ و تهدیدات خارجی، حفظ آرامش اقتصادی، انسجام اجتماعی و اعتماد عمومی را به یک ضرورت راهبردی تبدیل کرده است، گفت: هر تصمیمی که بر نگرانی و نااطمینانی جامعه بیفزاید، با الزامات مدیریت کشور در این شرایط همخوانی ندارد.

■ باید ریشه‌های ناترازی بنزین را هدف قرار داد

وی در ادامه با تاکید بر اینکه مدیریت مصرف سوخت ضرورتی انکارناپذیر است، بیان کرد: اما مدیریت مصرف الزاما به معنای افزایش قیمت نیست. اجرای کامل احکام برنامه هفتم، نوسازی ناوگان فرسوده، ارتقای کیفیت خودروهای داخلی، توسعه حمل‌ونقل عمومی، گسترش سوخت‌های جایگزین، هوشمندسازی نظام توزیع سوخت، اصلاح عادلانه نظام یارانه انرژی و برخورد قاطع با قاچاق گسترده، راهکارهایی هستند که ریشه‌های ناترازی را هدف قرار می‌دهند و هزینه بسیار کمتری به جامعه تحمیل می‌کنند.

گزارش رییس جمهور به مردم در آستانه آغاز سال سوم ریاست جمهوری

در محضر مردم

گروه سیاسی | گفت‌وگوی مسعود پزشکیان رییس جمهوری که طی روزهای اخیر درباره آن اطلاع‌رسانی شده بود و بخش‌هایی از آن در پاسخ به اتهام استعفا به صورت گسترده اطلاع‌رسانی شده بود، منتشر شد. رییس جمهور در این گفت‌وگو، تصویری از دو سال نخست دولت چهاردهم ارائه می‌کند. مشروح بخش اول این گفت و گو که شب گذشته در بخش‌های مختلف صداوسیما پخش شد را در زیر می‌خوانید.

■ آقای دکتر! خیلی ممنونم از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید. اکنون در آغاز سومین سال ریاست جمهوری شما هستیم؛ اگر بخواهید این دو سال را توصیف کنید، چه تعبیری از آن خواهید داشت؟

بسم‌الله الرحمن الرحیم. دو سال که گذشت دیگر؛ آنچه عیان است، چه حاجت به بیان است. از همان روز اولی که خواستیم مسوولیت را بر عهده بگیریم، مهمان عزیزمان، اسماعیل هنیه را شبانه شهید کردند. پس از آن نیز مشکلاتی وجود داشت که همچنان ادامه پیدا کرد؛ ناترازی‌هایی که داشتیم و نگرانی از اینکه ممکن است در زمستان برق و گاز نداشته باشیم و مردم با مشکل مواجه شوند. وضعیت آب نیز نامناسب بود که البته سال بعد بدتر هم شد. خشکسالی‌ای که در سال ۱۴۰۴ وجود داشت، در ۵۰ سال گذشته بی‌سابقه بود و واقعا شرایط بسیار سختی را ایجاد کرد. در نهایت، بحث اسنپ‌بک را به راه انداختند، جنگ ۱۲ روزه را آغاز کردند و اتفاقاتی که در ۱۸ و ۱۹ دی رخ داد، بر مشکلات افزود. نقشه‌هایی کشیده بودند و تصور می‌کردند می‌توانند ایران را مانند سوریه، مثلا ظرف ۴۸ ساعت، تصرف کنند. جنگ رمضان و شهادت بزرگان و عزیزانی که از دست دادیم نیز بسیار دردناک و سخت بود. با وجود همه این سختی‌ها و مشکلات، دولت، مدیران، استانداران، فرمانداران، بخشداران، کارمندان، مردم و نیروهای مسلح، کشور را تا اینجا رساندند؛ به گونه‌ای که امروز از ایران به عنوان کشوری قدرتمند و با عزت بسیار بالا نام می‌برند. این کار ساده‌ای نبود.

در میان همه این مشکلات، دولت تا جایی که از دستش برآمده و توانسته است، تلاش کرده مردم آن احساسی را که طراحان این جنگ‌ها و نقشه‌ها به‌دنبال ایجاد آن بودند تا فروپاشی اجتماعی ایجاد کنند، تجربه نکنند. آنان می‌خواستند جامعه ما را به هم بریزند، اما این اتفاق رخ نداد و کشور تا امروز با قدرت اداره شده است.

■ آقای رییس جمهور! یکی از واژه‌های پرتکرار در دوران ریاست جمهوری شما، واژه «مردم» بوده است. این سوال وجود دارد که منظور شما کدام مردم است؟ مردمی که اصلاً رأی ندادند، مردمی که در دی‌ماه اعتراض کردند یا مردمی که این ۱۵۰ روز در خیابان بودند؟ آیا میان مردم تفکیکی قائل می‌شوید یا منظورتان از مردم، همان ۹۵ میلیون ایرانی است؟

خیلی روشن است. اگر به قرآن و باورهای دینی‌مان نگاه کنید، خداوند به حضرت داوود می‌فرماید: «یا داوود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق ولا تتبع الهوی فیضلک عن سبیل‌الله». یعنی ما تو را خلیفه قرار دادیم تا بین مردم، یعنی همه مردم، به حق حکم کنی و تابع هوای نفس نباشی. قرآن پر از این آیات است. تابع هوای نفس بودن یعنی اینکه گروه، جناح و دسته خودت را در نظر بگیری؛ در حالی که باید با مردم به‌درستی رفتار کرد. حضرت علی (ع) نیز در دستور خود به مالک اشتر می‌فرمایند: «واشعر قلبک الرحمه للرعیه والمحبه لهم واللطف بهم»؛ یعنی قلبت را از محبت، رحمت و لطف نسبت به مردم مالامال کن. بعد می‌فرمایند: «فانهم صنفان، اما اخ لک فی الدین او نظیر لک فی الخلق»؛ مردم دو دسته‌اند: یا از نظر اعتقادی با تو یکی هستند یا در خلقت با تو برابرند.

ممکن است دچار لغزش شوند و عمدا یا به خطا اشتباه کنند. تو به عنوان حاکم از آنان بگذر و با مهربانی با آنها برخورد کن. این امتحان سختی است که خداوند از تو می‌گیرد. بعد هم می‌فرمایند: «ولا تنصبن نفسک لحرب‌الله»؛ خودت را در مقابل خدا قرار نده. یعنی اگر ما با مردم با مهربانی، عطوفت و به‌صورت خدمتگزارانه برخورد نکنیم، در حال جنگ با خدا هستیم.

منظور از مردم، همه کسانی هستند که در این مملکت زندگی می‌کنند؛ مستقل از عقیده، باور، نگاه، جنسیت و قومیتشان. حاکمیت وظیفه دارد بر اساس عدالت با آنان برخورد و به‌حق با آنها رفتار کند. متأسفانه ما در این زمینه مشکلات زیادی داریم و برای اینکه بتوانیم این روند را اصلاح کنیم، به فرصت نیاز داریم. در این مدت، تمام تلاش این بوده است که ما را از هم بپاشند. اگر تا امروز مانده‌ایم، به‌خاطر مردم نجیب ایران بوده است که ما را نگه داشته‌اند؛ نه‌فقط آنهایی که در خیابان بودند، بلکه آنهایی که در دلشان عقده‌ها و گلایه‌هایی داشتند، اما به‌خاطر ایران به خیابان نیامدند و مشکلی ایجاد نکردند؛ نه‌تنها مشکل ایجاد نکردند، بلکه همراهی، همدلی و هم‌صدایی کردند. تنها کسانی که در خیابان بودند، ایران ما را نگه نداشتند؛ همه مردمی که این سختی‌ها را می‌بینند و تحمل می‌کنند، برای ایران و کشورشان این کار را انجام می‌دهند. ما خود را خدمتگزار و منت‌دار این مردم می‌دانیم و از خدا می‌خواهیم کمک کند تا شرمنده آنان نشویم. به هر حال، اوضاعی که اکنون با آن مواجهیم، سخت‌ترین شرایط ممکن در طول تاریخ پس از انقلاب بوده است. تحریم‌ها وجود داشت و شدیدتر شد. پس از آن، بانک‌ها و روند مالی ما را نیز تحریم کردند. به این قناعت نکردند و جنگ به راه انداختند. باز هم به این قناعت نکردند و ما را محاصره کردند. یعنی در بدترین شرایط ممکن می‌خواهند ما را زمین‌گیر کنند. اما وقتی با مردم باشیم، هیچ قدرتی نمی‌تواند ما را زمین‌گیر کند؛ به‌شرط آنکه این را از ته دل بپذیریم و باور کنیم. اکنون تمام نقشه‌هایی که آنها می‌کشند و فشارهایی که وارد می‌کنند، برای این است که مردم را ناراضی و به‌اصطلاح به اعتراض وادار کنند. اما این مردم نجیب‌اند؛ برای ایران، کشور و آینده کشورشان ایستاده‌اند و خواهیم ایستاد. ما نیز به این مردم عزیز قول می‌دهیم تا جان در بدن داریم و نفس می‌کشیم، با تمام وجود به آنان خدمت کنیم.

■ آقای رییس جمهور! براساس گفتمان وفاق، دو برداشت در جامعه شکل گرفت: یکی اینکه آیا دولت، شرکت سهامی است که از هر جریان و جناحی سهمی در آن در نظر گرفته شود؛ یا اینکه منظور از وفاق، توافق و تفاهم با نیروهای مختلف و همه مردم برای حل مشکلات کشور است؟ از دیدگاه شما، وفاق به معنای دولت سهامی است یا توافق و تفاهم برای حل مشکلات؟

از نظر اعتقادی خداوند می‌فرماید: «إنا خلقْناکُمْ منْ ذکرٍ وأُنْثی وجعلْناکُمْ شُعُوبًا وقبائِل لِتعارَفُوا إنَّ أکْرمکُمْ عِنْدَاللهِ أتْقاکُمْ.» اینکه یکی زن است و دیگری مرد، یکی کُرد است و دیگری عرب، عجم، ترک یا بلوچ؛ یکی سیاه است، یکی سفید و دیگری زرد، هیچ‌کدام نشانه برتری نیست. نشانه برتری، تقواست.

می‌دانید تقوا یعنی چه؟ آنچه من از تقوا می‌فهمم، حرکت بدون خطاست. من پزشک، اگر بیمار را درست، بدون عارضه و با کیفیت خوب عمل کنم، متقی هستم. ممکن است پزشکی نماز بخواند، نماز شب بخواند و همه آن چارچوب‌هایی را که می‌گویند رعایت کند و ظاهرش نیز خیلی حزب‌اللهی باشد؛ اما وقتی بیمار را عمل می‌کند، بیمار با عارضه از اتاق عمل بیرون بیاید یا با مشکلی مواجه شود. در مقابل، ممکن است فردی به باورهای من معتقد نباشد، اما بیمار را درست عمل کند. آن فرد از منی که ادعا دارم، متقی‌تر است.

اگر با این نگاه به جامعه نگاه کنیم، ملاک همکاری با افراد و کار کردن با یکدیگر، عملکرد بدون خطاست؛ چه در اقتصاد، چه در صنعت، کشاورزی، هنر، مدیریت و هر حوزه دیگری. اگر بر این مبنا با انسان‌ها برخورد کنیم، دیگر این گونه نخواهد بود که چون من وابسته به فلان دسته و گروه هستم، پس برترم. آن کسی که توانمندتر و کم‌خطاتر است، حتی اگر در باور و ذهنیتش ما را قبول نداشته باشد، حق با اوست. «ان اکرمکم عندالله اتقاکم»؛ یعنی کسی که با تقواتر، عالم‌تر و توانمندتر است.

من بارها این موضوع را درباره قرآن گفته‌ام. خیلی‌ها قرآن می‌خوانند. سوره الرحمن را می‌دانید؛ وقتی در مجالس شرکت می‌کنیم، در پایان سوره الرحمن را می‌خوانند. روزی وقتی این سوره را می‌خواندم، یک جهان‌بینی را مطرح می‌کند: «الرحمن، علم القرآن، خلق الانسان، علمه البیان، الشمس والقمر بحسبان، والنجم والشجر یسجدان، والسماء رفعها ووضع المیزان». وقتی این جهان‌بینی را مطرح می‌کند، بعد می‌فرماید: «الا تطغوا فی المیزان، واقیموا الوزن بالقسط ولا تخسروا المیزان»؛ یعنی وزن‌ها را بر اساس عدالت قرار دهید، کم و زیادش نکنید. یک جهان‌بینی را بیان می‌کند و بعد می‌گوید این کار را نکنید. ما همین آیات را برای مرده‌ها می‌خوانیم. اگر به همین آیات عمل کنیم، پست را به آدم ناتوان نمی‌دهیم، عده‌ای آدم بی‌سواد را بر آدم‌های باسواد حاکم نمی‌کنیم و مدیریت را به کسانی که وزنشان کمتر است، نمی‌سپاریم؛ زیرا می‌گوید تمام دنیا حساب و کتاب دارد. پس تو چرا این کار را می‌کنی؟ ما در حال انجام همین کارها هستیم. اگر همین آیاتی را که برای مرده‌ها می‌خوانیم، در عمل و اجرا به کار می‌بستیم، مشکلی نداشتیم. همه باید حضور داشته باشند؛ اما بر اساس لیاقت، توانمندی و عرضه‌شان، نه بر اساس حزب، جناح، دسته و نگرش‌شان. این همان چیزی است که باید به آن توجه کنیم.

■ آقای رییس جمهور در این جنگ جنایت کم رخ نداد؛ هر یک از این جنایت‌ها می‌تواند پرونده یک جنایت جنگی باشد. اتفاقاتی که در جنگ اخیر رخ داد چه مقدار به نگاه شما در مبحث حقوق بشر و بحث سازمان‌های بین‌المللی در دفاع از انسانیت اثر گذاشت؟

من بارها گفته‌ام مباحثی که درباره حقوق بشر، حقوق حیوانات، آزادی‌ها و موضوعات مشابه مطرح می‌کنند، پیش از این هم در ذهن من چندان باورپذیر نبود؛ اما اکنون دیگر کاملاً فروریخته است. نخستین سوال این است که رهبر ما را به چه دلیل و به چه جرمی شهید کردند؟ فرماندهان و دانشمندان ما را به چه جرمی به شهادت رساندند؟ چرا کودکان ما را هدف قرار دادند؟ هر چه فکر می‌کنم، هیچ منطق و توجیهی برای این اقدامات نمی‌بینم. آنها با هر نمادی از توانمندی، ایستادگی، ابتکار و خلاقیت ما مشکل دارند. دانشگاه‌ها، مراکز هوافضا و مراکز فعال در حوزه هوش مصنوعی را هدف قرار می‌دهند و استادان دانشگاهی را که دانشمند، خلاق و توانمندند، به شهادت می‌رسانند. آنها نمی‌خواهند ما انسان‌های توانمند داشته باشیم. در میان مدیران و فرماندهان نیز کسانی را هدف قرار می‌دهند که واقعاً جان‌فدا بودند؛ نه فقط در کلام، بلکه در عمل تمام زندگی خود را برای این مردم گذاشته بودند. آنها نباید باشند تا افرادی باقی بمانند که یکی به نعل و یکی به میخ بزنند و مردم نیز از عملکردشان ناراضی شوند و بپرسند اینها چه کسانی هستند که مدیر ما شده‌اند؟ بسیاری از فرماندهان و دانشمندانی که شهید شدند، زندگی بسیار ساده‌ای داشتند. بروید زندگی‌شان را ببینید؛ بعضی از آنها خانه نداشتند و خانه برخی دیگر بسیار کوچک بود. دارایی قابل توجهی نداشتند. همین شیوه زندگی، نشانه صداقت و فداکاری آنهاست؛ انسان‌هایی که در آن جایگاه‌ها قرار داشتند، اما خود و خانواده‌شان مانند مردم عادی زندگی می‌کردند.

■ آقای دکتر! وقتی خبر شهادت ۱۲۰ کودک را شنیدید چه حسی داشتید؟

ببینید، همان‌طور که گفتم، احساس را نمی‌شود با کلمات بیان کرد. حسی شبیه بغضی است که در گلو می‌ترکد و فقط با اشکی که از چشم انسان جاری می‌شود، خودش را نشان می‌دهد؛ اما نمی‌توان گفت چه چیزی انسان را وادار کرده که اشک از چشمانش سرازیر شود.

دست‌کم من نمی‌توانم این احساس را توصیف کنم. فقط می‌دانم که ناخودآگاه، اشک از چشمان انسان جاری می‌شود.

■ روز ۹ اسفند ماه رهبر معظم انقلاب اسلامی به شهادت رسیدند، شما چه زمانی از شهادت ایشان مطلع شدید و چه حسی داشتید؟

ما همین جا جلسه داشتیم که این محل را زدند و در حقیقت همان جا احساس کردم این اتفاق افتاده است؛ چون با نحوه‌ای که حمله کرده بودند و با توجه به اینکه گفته می‌شد رهبر عزیزمان آنجا حضور دارند، طبیعی بود چنین احساسی به انسان دست بدهد؛ همان حسی که گفتم و توصیف کردنی نیست.

به هر حال، ما سرمایه و پشتوانه بزرگی را از دست دادیم؛ به‌ویژه دولت که ایشان مانند کوه پشت آن ایستاده بودند و پشتیبانی می‌کردند. من صادقانه همه حرف‌هایمان را با ایشان در میان می‌گذاشتم. شاید اکنون بسیاری از مطالب را نگفته باشم که آنجا در محضر رهبر عزیزمان مطرح می‌کردم. ایشان واقعاً به ما کمک و همراهی می‌کردند. اگر حمایت ایشان نبود احتمال تنش‌های اجتماعی زودتر از زمانی که اتفاق افتاد ممکن بود خودش را نشان بدهد. دشمن روی این مساله حساب باز کرده بود که با شلیک موشک و تخریب مملکت را ساقط خواهند کرد. اما پشتیبانی ایشان اجازه نداد. وقتی مستأصل شدند مقام معظم رهبری را شهید کردند. کار بسیار وحشیانه آنها انجام گرفت و گمان می‌کردند که دیگر کشور دچار فروپاشی خواهد شد، اما ادامه یافت و رهبر عزیزمان انتخاب شد. ولی اکنون وجود رهبر جدید و عزیزمان نقطه قوت بسیار بزرگی برای ماست تا بتوانیم این مسیر را ادامه دهیم، هر چند ارتباط با ایشان اکنون بسیار دشوار است. در همین موضوعی که مطرح شد، پیامی از ایشان منتشر شد که «علی الاصول موافق نبودم»، اما در نهایت اجازه دادند این روند شکل بگیرد. عده‌ای که به دنبال تفرقه و زنده کردن شکاف‌ها بودند و می‌خواستند به اهداف حزبی خود برسند، این موضوع را بزرگ کردند؛ در حالی که سخن ایشان کاملاً درست بود.

ایشان دیدگاهی داشتند و پس از جمع‌بندی‌ای که در همان شورا انجام شد، گزارش‌ها به خدمتشان ارایه شد. فرمودند اگر سه‌چهارم آرا را به دست آورد، من می‌پذیرم. این تصمیم به‌جای سه‌چهارم، رأی ۱۲ نفر از ۱۳ نفر را به دست آورد و ایشان نیز پذیرفتند. این یعنی نظر کارشناسی را پذیرفتند و براساس نظر کارشناسی تصمیم گرفتند. اما همین موضوع بهانه‌ای در اختیار عده‌ای قرار گرفت تا شکاف ایجاد کنند و سخنانی بگویند که نه منصفانه بود و نه صادقانه. تلاش کردند مساله را به گونه‌ای جلوه دهند که دیگران چنین و چنان‌اند. انصاف هم چیز خوبی است. شهید دکتر بهشتی در کتاب «حق و باطل از دیدگاه اسلام» با استناد به قرآن و روایات می‌فرمایند احادیث فراوانی وجود دارد که می‌گوید انصاف نیمی از دین است؛ اما ایشان می‌گویند من معتقدم انصاف تمام دین است. چیزی را که برای خود نمی‌پسندی، نباید برای دیگران نیز بپسندی. واقعیت این است که من در این رفتارها انصافی نمی‌بینم.

■ آقای رییس جمهور! در دوران جنگ موضوع بازگشت ایرانیان خارج از کشور بسیار مطرح شد. ظاهرا شما در همان مقطع درباره این مساله با رهبر شهید نیز گفت‌وگو کرده بودید. در آن گفت‌وگو چه مباحثی مطرح شد و نگاه ایشان به بازگشت ایرانیان خارج از کشور چه بود؟

بله، من این موضوع را با ایشان مطرح کرده بودم و قرار شد نامه‌ای خدمتشان بنویسیم. به وزارت امور خارجه و همکاران خودمان نیز گفتم پیگیری کنند تا به دستگاه‌های امنیتی ابلاغ شود هر ایرانی که می‌خواهد به کشور بازگردد، برای ورودش مشکل ایجاد نکنند.

اگر فردی پیش از ورود مساله‌ای دارد، همان ابتدا به او اعلام کنند که نیاید یا از همان جا بازگردد؛ نه اینکه وارد کشور شود، او را بازداشت کنند و اجازه بازگشت هم ندهند. هر ایرانی باید بتواند به راحتی وارد ایران شود و برای او مانع ایجاد نکنند. این موضوع تأیید شده بود و قرار بود تا پایان پیگیری شود، اما متأسفانه فرصت نشد آن نامه را از ایشان بگیریم. ان‌شاءالله بتوانیم این کار را با رهبر عزیزمان به نتیجه برسانیم. هر ایرانی که در خارج از کشور زندگی می‌کند، ایران خانه اوست؛ باید بتواند بیاید و به‌راحتی بازگردد و ما نباید برایش مانع ایجاد کنیم.

اگر قرار است کسی اجازه ورود نداشته باشد، باید از ابتدا صریحا به او گفته شود که نیاید؛ نه اینکه وارد کشور شود و بعد او را بگیرند و نگذارند بازگردد. این کار نامردی است.

■ آیا رهبر شهید در همراهی با شما می‌خواستند این اقدام انجام شود و آن را تأیید می‌کردند، یا این صرفاً نظر شخصی شما بود؟

اگر ایشان باور و اطمینان نداشتند، آن را تأیید نمی‌کردند. رهبری این گونه نیستند که صرفاً به‌خاطر ما تصمیمی بگیرند.

■ یکی از رخدادهای مهم جنگ ۱۲ روزه، ماجرای سوءقصد به شما در عصر ۲۵ خرداد بود. آقای حاجی‌میرزایی در گفت‌وگویی روایت کردند که شما بلافاصله پس از آن ترور به ملاقات رهبر انقلاب رفتید. وقتی ایشان متوجه شدند شما هدف سوءقصد قرار گرفته‌اید، چه واکنشی نشان دادند و در آن دیدار چه سخنانی میان شما ردوبدل شد؟

آن روز قرار بود ساعت پنج خدمت رهبری برسیم. حدود ساعت چهار و نیم، هنگامی که در جلسه بودیم، آنجا را بمباران کردند و در نتیجه نتوانستیم در زمان مقرر به دیدار برویم. به هر حال زنده ماندیم و از محل بیرون آمدیم؛ در حالی که تمام بدنمان خاکی شده بود و پا و زانوهایمان نیز زخمی شده بود. بعد به ما گفتند آقا همچنان منتظر شما هستند. حدود ساعت شش و چهل و پنج دقیقه به دیدار ایشان رسیدیم و ایشان فقط منتظر بودند ما را ببینند. ماجرا را خدمتشان توضیح دادیم؛ ایشان نیز دستوراتی دادند و برای ما دعا کردند. پس از پایان جلسه هم به خانه بازگشتیم. ایشان مانند یک کوه در پشتیبانی از دولت حامی بودند و اگر دستاوردی داشته‌ایم به دلیل پشتیبانی ایشان بود. اکنون که عده‌ای زمینه را فراهم دیده‌اند و حرف‌هایی را بیان می‌کنند یا بی‌اطلاع هستند یا نسبت به وضعیت آگاه نیستند یا بی‌انصاف هستند.

■ در نخستین جلسه‌ای که درباره آسیب‌دیدگان حوادث دی برگزار شد، چه موضوعاتی با مقام معظم رهبری شهید مطرح شد؟

ایشان بسیار ناراحت بودند و ما هم به‌شدت ناراحت بودیم؛ چون اقداماتی که صورت گرفته بود واقعاً بسیار وحشیانه بود. از طرفی، به‌دلیل نبود آمادگی لازم در مدیریت ماجرا، افراد زیادی آسیب دیدند. جوانان زیادی جان باختند و شهید شدند و عده‌ای نیز اعضای بدن خود را از دست دادند. این حادثه هنوز هم از ذهن من خارج نمی‌شود و نمی‌توانم آن را فراموش کنم. ما نباید اجازه می‌دادیم کار به اینجا برسد.

خود ترامپ نامرد هم صریحاً گفت که این افراد را مسلح کرده و از آنها پشتیبانی می‌کرده‌اند؛ بنابراین روشن بود که چه هدفی داشتند. با این حال، عده‌ای از افراد بی‌گناه نیز در میان آنها قرار گرفته بودند. واقعیت این است که ما مشکلاتی داشتیم و همچنان هم داریم. عده‌ای به‌حق مشکلات خود را مطرح می‌کردند، اما گروهی دیگر می‌خواستند از این فضا برای تحقق نیت‌های شوم و پلید خود استفاده کنند و همین مساله باعث شد روند درهم آمیخته شود.

می‌گویند:

حقیقت سرایی است آراسته
هوا و هوس گرد برخاسته
نبینی که جایی که برخاست گرد
نبیند نظر، گرچه بیناست مرد

وقتی یک اعتراض به شورش تبدیل می‌شود، دیگر تشخیص دوست و دشمن آسان نیست و روند به نقطه‌ای می‌رسد که حوادث سختی رخ می‌دهد.

شما دیدید برخی رسانه‌ها و خبرنگاران مدعی شدند در ایران ۴۰ هزار یا ۶۰ هزار نفر کشته شده‌اند. وقتی دیدیم چنین فضایی شکل گرفته است، گفتیم اسامی و کد ملی همه جان‌باختگان و شهدا را اعلام کنند و هر کس نام فرد دیگری را دارد، ارایه دهد. اما کسانی که در خارج از کشور نشسته‌اند و خود را دلسوز، آگاه و گاهی روشنفکر و دانشمند نشان می‌دهند، یک آمار حدود سه هزار نفری را به ۳۰ یا ۴۰ هزار نفر تبدیل کردند و افکار عمومی را به انحراف کشاندند. این رفتار نشان می‌دهد که چقدر نامرد و وطن‌فروش هستند.

■ آقای دکتر! در مکاتبات و دیدارهایی که با آقا مجتبی داشتید، مهم‌ترین ویژگی‌هایی که از شخصیت، نگاه و شیوه گفت‌وگوی رهبر انقلاب در ذهن شما شکل گرفت، چه بود؟

ببینید، من بارها این موضوع را چه علنی و چه در جلسات خصوصی گفته‌ام. شخصیتی که من از ایشان دیدم، از نظر اخلاق، منطق و تواضع واقعاً استثنایی بودند. به همین دلیل معتقدم هر چه بتوانیم مسائل و درد دل‌هایمان را صریح‌تر با ایشان در میان بگذاریم، بهتر می‌توانیم به تفاهم برسیم. ایشان فردی کاملاً منطقی و بسیار بردبار هستند. من هر چه در دل داشتم، صریحاً بیان کردم تا در جریان مسائل قرار بگیرند و ایشان نیز با مهربانی، منطق و برخوردی بسیار مناسب با ما مواجه شدند.

به همین دلیل، مطالبی که گاهی از قول ایشان مطرح می‌شود، با شخصیتی که من دیده‌ام تطابق ندارد. چهره‌ای که برخی از ایشان ترسیم می‌کنند، با واقعیت متفاوت است. تصور من این است که اگر ارتباط ما با ایشان بیشتر و دسترسی‌ها بیشتر شود، حتما تعامل نیز بهتر خواهد شد. اگر ایشان مشکلات ما را از نزدیک ببینند، حتماً کمک و همراهی خواهند کرد. متأسفانه وضعیت فعلی تا حدی فضا را برای برخی خناسان فراهم کرده است تا مسائل را به گونه‌ای دیگر تعریف و چهره‌ای متفاوت از ایشان ارایه کنند.

اقتصاد کلان

افزایش ذخایر اجباری بانک‌ها در مسیر کنترل تورم

بانک مرکزی در مرحله دوم، نسبت سپرده قانونی بانک‌ها را ۰.۷۵ واحد درصد دیگر افزایش داد تا سیاست مهار نقدینگی تشدید شود. به گزارش مهر، نسبت سپرده قانونی تمامی بانک‌ها و موسسات اعتباری در مرحله دوم اجرای مصوبه شورای سیاستگذاری پولی و ارزی، ۰.۷۵ واحد درصد افزایش یافت. این تصمیم در ادامه بخشنامه شماره ۰۵/۲۱۵۶۳ مورخ ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۵ و به موجب بند یک مصوبات شصت‌ویکمین جلسه شورای سیاستگذاری پولی و ارزی اتخاذ شده است. بر اساس این بخشنامه، بانک مرکزی پیش از این نیز در مرحله نخست، نسبت سپرده قانونی بانک‌ها و موسسات اعتباری را ۰.۷۵ واحد درصد افزایش داده بود. با اجرای مرحله دوم، مجموع افزایش این نسبت به ۱.۵ واحد درصد می‌رسد؛ تغییری که می‌تواند بر ظرفیت خلق اعتبار، توان تسهیلات‌دهی بانک‌ها، حجم منابع در دسترس شبکه بانکی و مسیر رشد نقدینگی اثرگذار باشد. سپرده قانونی بخشی از منابع بانک‌هاست که باید نزد بانک مرکزی نگهداری شود و بانک‌ها امکان استفاده مستقیم از آن برای پرداخت تسهیلات یا سایر عملیات اعتباری را ندارند. این ابزار، یکی از ابزارهای سنتی سیاست پولی برای مدیریت ذخایر بانکی و تنظیم توان اعتباردهی شبکه بانکی به شمار می‌رود. هرچه نسبت سپرده قانونی افزایش یابد، بخشی از منابع بانک‌ها از چرخه اعطای تسهیلات خارج و در حساب‌های نزد بانک مرکزی نگهداری می‌شود. البته میزان اثرگذاری این سیاست به شرایط نظام بانکی، وضعیت ذخایر، میزان اضافه‌برداشت بانک‌ها، نحوه تامین کسری منابع و رفتار سیاستگذار در بازار بین‌بانکی بستگی دارد. به همین دلیل، افزایش سپرده قانونی به‌تنهایی نمی‌تواند تضمین‌کننده کاهش نقدینگی یا مهار تورم باشد، اما در صورت هماهنگی با سایر ابزارهای سیاست پولی، می‌تواند به محدود